

بررسی و تحلیل سطوح پایداری مناطق شهر شیراز بر اساس مدل ویکور (VIKOR)

نسرین ابازری^۱، هادی غنی زاده قاسم آبادی^۲

۱. کارشناسی ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه هرمزگان، Nasrinabazari71@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه زاهدان، hadi24@pgs.usb.ac.ir

چکیده

آمایش سرزمین، ایجاد تعادل در بهره‌گیری از توانمندی طبیعی، تطبیق با نیازهای انسانی و کاهش نابرابری و جلوگیری از نبود تعادل‌های جدید است. این مفهوم که به دنبال سازماندهی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی برای تحقق آینده مطلوب است، با پارادایم توسعه پایدار منطبق می‌باشد. هدف این پژوهش سطح بندی مناطق ۹ گانه شهری شیراز از لحاظ شاخص عمده شاخص‌های پایداری است. بدین منظور در چارچوب روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از مدل ارزیابی چند معیاره تصمیم‌گیری Vikor مناطق مورد نظر سطح بندی شدند. نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد بین مناطق مورد نظر از لحاظ پایداری، اختلاف زیادی وجود دارد به طوری که: الف) مناطق شهری پایدار: شامل مناطق ۱، ۵ و ۹ با امتیاز ۰،۲۱ - ۰،۲۶ می‌باشد. ب) مناطق شهری نیمه پایدار: شامل مناطق ۴، ۶ و ۸ با امتیاز ۰،۳۱ - ۰،۵۶ می‌باشد. ج) مناطق شهری ناپایدار: شامل مناطق ۲، ۳ و ۷ با امتیاز ۰،۷۵ - ۰،۸۳ می‌باشد. بنابراین توجه به آمایش مناطق و توسعه متوازن نواحی شهری توجه به توسعه پایدار را ضروری ساخته است.

کلید واژگان: توسعه پایدار، پایداری، مدل VIKOR، شیراز

مقدمه

در چند دهه گذشته روند رشد شتابان شهرنشینی و گسترش فعالیتهای صنعتی در شهرهای بزرگ و مادرشهرهای کشور، موجب کاهش زیرساخت‌های شهری و افزایش ضایعات زیست محیطی شده است (زیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵). تداوم این روند، تمرکز جمعیت را در چند مادرشهر کشور موجب شده، که اولین پیامد آن مسائل زیست محیطی است که به اشکال مختلف آلودگی هوا، آب و خاک و ... نمود پیدا کرده است. در بعد اجتماعی و اقتصادی نیز رشد سریع شهرنشینی و گسترش شهرها باعث مسائلی نظیر: توزیع نامتعادل و نارسایی در خدمات و امکانات، تفاوت‌های فاحش در قیمت زمین و مسکن و شرایط زیستی آن و در پایان، اختلاف

طبقاتی و جدایی‌گزینی اجتماعی و اقتصادی شده است. این شرایط زیستی را می‌توان در ویژگی‌های جمعیتی، سرانه کاربریها و امکانات خدماتی در مناطق و حوزه‌های مختلف شهری مشاهده نمود (کازمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

با توجه به این مسائل و مشکلات و کاهش سطح عمومی زندگی مردم به ویژه در جوامع شهری طی دو دهه گذشته، رهیافت توسعه پایدار به عنوان موضوع روز از طرف سازمان ملل متحد مطرح شد (Roseland, 1997, p. 199). که در آن توسعه با کاهش تخریب محیط زیست و رفع نیازهای حال و آینده همراه و سازگار باشد، شکل گرفت. با وجود این بسیاری از شهرها با مصرف بیش از حد منابع موجود؛ مناطق اطراف خود را از بین می‌برند و آثار مخرب اکولوژیکی خود را به خارج از مرزهای جغرافیایی‌شان گسترش می‌دهند. بنابراین به منظور دست یابی به یک وضعیت پایدار واقعی در شهرها تدوین سیاست‌هایی جهت حصول به شهرهای پایدار ضروری می‌نماید (حمیده و پورمحمد رضا، ۱۳۸۶، ص ۱۲). این بحث در شهر با عنوان توسعه پایدار شهری جهت کاهش فشار بر محیط طبیعی و خود انسان آغاز شد (ملکی و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

در واقع توسعه پایدار شهری، توسعه‌ای است که از نظر کالبدی، تغییراتی در کاربری زمین و سطوح تراکم به عمل آید که ضمن رفع نیازهای اساسی ساکنین شهر در طول زمان، شهر را از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد (Mukomo 1996, p. 266). یکی از راههای دستیابی به توسعه پایدار شهری تعیین و ارزیابی صحیح سطوح پایداری مناطق شهری به منظور برنامه‌ریزی دقیق برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در برخورداری از شاخص‌های پایداری است تا زمینه‌ای برای رسیدن به توسعه پایدار شهری فراهم آید (تقوایی و صفراآبادی، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

شهر شیراز در گذشته از ساختار موزون و منسجم با هویت کالبدی - اجتماعی مشخص برخوردار بوده است. علت این توازن تمرکز عناصر شهری در اطراف محورهای اصلی از یک طرف و ایجاد عدالت محلات مستقل شهری از طرف دیگر می‌باشد (عبدالله زاده فرد، ۱۳۸۴، ص ۳۵). اما در چند دهه ی اخیر به علت رشد طبیعی جمعیت و مهاجر پذیری